

ستایش : خدا

که هم در خانه ما هست و هم نیست
که همه جای خانه هست ولی دیده نمی شود انگار که وجود ندارد

دمی از بندگان خود جدا نیست
و لحظه ای از بندگان خود بی خبر و دور نمی شود
چرا هرگز نمی گوید جوابم ؟
چرا هیچ وقت جوابم را نمی دهد و با من صحبت نمی کند
تو را دیدم خدایت را ندیدم

تو را دیدم ولی خدای تو را ندیدم
خدا را در دل خود جوی یک چند
خدا را یک بار در دل خود جستجو کن
بهار و باغ و گل از او نشان است

که این آفریده هاو باغ و بهار و گل همه نشانه های وجود خداست
بود در روشنایی ها خداوند
در هرچه نور و خوبی است خدا وجود دارد

پروین دولت آبادی

به مادر گفتم آخر این خدا کیست
به مادر گفتم : بالاخره این خدا چه کسی است ؟

توگفتی مهربان تر از خدا نیست
توگفتی که از خدا مهربان تر وجود ندارد
چرا هرگز نمی آید به خوابم
(پرسیدم) : چرا هیچ وقت به خوابم نمی آید
نماز صبحگاهت را شنیدم

صدای تو را هنگام نماز صبح شنیدم که با خدا صحبت می کند
به من آهسته مادر گفت فرزند
مادر به آرامی به من گفت ای فرزندم
خدا در رنگ و بوی گل پنهان است
خدا در آفریده ها و رنگ و بوی گل پنهان است و با دقت به این آفریده ها باید
به یاد خدا باشی

خدا در پاکی و نیکی است فرزند
فرزندم خداوند در خوبی ها و نیکی هاست و وجود خداوند پاک است (در روشنی
و نیکی و خوبی خداوند را حس می کنیم)
